

این کتاب را هم بی حجاب‌ها بخوانند هم با حجاب‌ها

مطهری درباره کتاب خودش نوشت: «سال‌هاست با این چالش دست به گریبان بوده‌ام چطور در قالب ۴۰۰، ۷۰۰ یا ۱۵۰۰ کلمه طوری بنویسم که دین نویسندگان بر گردنم نماند و حالا خیاط در کوزه افتاده و باید کتاب خودم را در قالب چند صد کلمه معرفی کنم.»

به گزارش سایت خبری پرسون، «گفت‌وگو بی حجاب» نوشته محمدحسین مطهری، کتابی است که به دیدگاه‌های مختلف افراد درباره حجاب پرداخته است.

کتاب «گفت‌وگو بی حجاب» نوشته محمدحسین مطهری است. صاحب این قلم برای کتاب‌های زیادی در حوزه دین و فلسفه، معرفی‌های توصیفی و تحلیلی و انتقادی نوشته است.

مطهری درباره کتاب خودش نوشت: «سال‌هاست با این چالش دست به گریبان بوده‌ام چطور در قالب ۴۰۰، ۷۰۰ یا ۱۵۰۰ کلمه طوری بنویسم که دین نویسندگان بر گردنم نماند و حالا خیاط در کوزه افتاده و باید کتاب خودم را در قالب چند صد کلمه معرفی کنم.» «گفت‌وگو بی حجاب» برای من بیش از هر چیز یک سفر است. سفری که سال ۱۳۹۰ آغاز شد و اصلاً تصور نمی‌کردم اینقدر طولانی شود و محمدحسینی که وارد این سفر شد کجا و محمدحسینی که از آن سفر برگشت کجا! سال ۹۰ من یک پرسش داشتم. نسبت اندیشه‌های شهید مطهری با وضع موجود چیست و نسل امروز چه مواجهه‌ای با آرای استاد مطهری پیدا می‌کند؟ دلم می‌خواست مستندی با این موضوع بسازم. حتی طرح کلی‌اش را نوشتم و یکی از تهیه‌کننده‌های خوشنام و کاربلد داوطلب شد تا تولیدش کند. من خوشحال از این پیشنهاد وسوسه‌کننده رفتم تا فوکوس گروهی برگزار کنم تا محورهای پژوهشی مستند از غنا و تکرار بیشتری برخوردار باشد و بعد از آن با تهیه‌کننده وارد فاز تولید شویم اما چنان که در مقدمه کتاب هم توضیحش مفصل آمده، همه چیز جور دیگری پیش رفت و به جای ساخت مستند، رفتیم سراغ نوشتن کتاب. من می‌خواستم فکر، پشت پوشش آدم‌های جامعه را به تصویر بکشم و حالا به کلمه تبدیل‌شان کرده‌ام.

این کتاب یک گفت‌وگوی دسته جمعی است با مشارکت بیش از ۱۲۰ نفر. از دانش‌آموز و دانشجو، از روحانی تا استاد دانشگاه، از خانم‌های چادری تا خانم‌های بی‌اعتقاد به حجاب، از مخالف تا کارگزار و سیاستگذار فرهنگی نظام جمهوری اسلامی همه در این گفت‌وگو شریک شده‌اند. من و همکارم نیز درباره تک تک کلمات به بحث و نظر نشستیم، کما اینکه در پیش پژوهش این کتاب آثار استاد مطهری را به دقت می‌خواندیم و هر ملاحظه‌ای به ذهنمان می‌آمد یادداشت می‌کردیم و این گفت‌وگو مکتوب با متفکر زنده‌ای چون مطهری حتی تا ویراست نهایی قبل انتشار ادامه یافت و هنوز هم ادامه دارد.»

چه کسانی این کتاب را بخوانند؟

خواندن این کتاب را به دو گروه توصیه نمی‌کنم: «اول کسانی که باورشان درباره مسئله حجاب چه له چه علیه آن چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی سفت سر جایش ایستاده و بنا ندارد از جایش تکان بخورد. نویسندگان این کتاب خود سالک راه فکرت اند و همه این مسیر سخت را قدم به قدم آمده‌اند تا مثل سقراط دوستدار حقیقت باشند نه دانای آن. مسائلی همچون عفاف و حجاب با سطوح مختلف انسان نسبت برقرار می‌کند. حجاب و عفاف با حس و غریزه تا عادت و عقلانیت و باور و تاریخ و فرهنگ و سیاست ربط پیدا می‌کند؛ از این رو، جنس این مسئله، جنسی دیرپا و مستمر و متغیر است که در طول تاریخ و گذر عمر افراد، سرگذشت ثابتی ندارد. حال آنکه جنس عموم سیاستگذاری‌های این حوزه مستقیم و زودبازده است و به دنبال تغییر نتایج به نتایج دلخواه خودش است و بی‌توجه به فرایندها، در فکر آورده‌ها است.»

«دوم کسانی که هاضمه فکرشان نیز مثل هاضمه جهان مدرن فست فودی شده و به دنبال پرسش‌های بله/خیر هستند. این کتاب در عین اینکه به پرسش‌های زیادی پرداخته و بنا به توان و ظرف خود پاسخ‌هایی برای آن پیشنهاد نموده، پرسش‌های زیادی را نیز برای خوانندگانی که با آن همسفر شوند به ارمغان خواهد آورد. کمی حوصله کنید، معجزه گفتگو در گشودن حقیقت را به تماشا خواهید نشست. حجاب و عفاف برای انسان یک مسئله در حال شدن است و نباید انتظار داشت ما بگوییم "باش" و "بشود". رعایت عفاف و حجاب نزد سیاستگذاران ما از یک دستورالعمل لازم الاجرای پوشش در اجتماع فراتر نمی‌رود حال آنکه رعایت یا عدم رعایت این مسئله حاصل یک فرآیند پیچیده و چند لایه در درون هر فرد است. جامعه موجودی زنده و عینی است و از شخصیت حقیقی برخوردار است. جامعه سرگذشت دارد، رشد و انحطاط دارد و حتی امکان متولد شدن و مردن دارد. گفتگو نشانه حیات و بسط جوامع در طول تاریخ شان است.»

محتوای این کتاب چیست؟

این کتاب در شش فصل هم نیشتری به دل مفاهیم نظری زده، هم قوانین و سیاستگذاری‌های عفاف و حجاب در حوزه مد و لباس و رسانه را بررسی کرده و هم تجربه الزام چادر در مدارس و دانشگاه‌ها را از نزدیک روایت کرده است. اگر اهل گشودگی هستید و از حوصله‌ای فراخ برخوردارید، صمیمانه خوشحال خواهیم شد شریک خواندن محصول این گفت‌وگوها باشید.»

آتشی که یک بی‌توجهی به پا کرد

دکتر حسین انتظامی، فعال رسانه و مدیر فرهنگی هم نظرش درباره این کتاب را این‌گونه نوشت: «آتشی که در هفته‌های گذشته شعله کشید از یک بی‌توجهی در گشت ارشاد رخ داد. دلسوزان کشور بارها به رفتار نامناسب و دور از کرامت با شهروندان تذکر داده بودند و این‌که اگر تنش به سطح مردم-مردم کشیده شود، انسجام ملی به مخاطره می‌افتد، دو قطبی ساخته می‌شود و تبعات امنیتی می‌یابد تا گرهی که با حکمرانی هوشمند می‌توان با دست باز کرد، بی‌جهت به دندان نیفتد.

حجاب از آنجا پیچیده شده که ذیل عناوینی از جمله واجب شرعی، سبک زندگی، رفتار دارای تاثیر اجتماعی و قانون حکومتی تعریف می‌شود که هر یک، الزامات و تبعات خاص خود را دارد و وقتی ترکیب می‌شود، دیگر راه حل ساده و سراسرست ندارد.

«گفت‌وگو بی حجاب» جزو معدود آثاری است که ابتدای پژوهشی دارد و اگرچه با مضمون حجاب است اما همچنان که از نامش پیداست به یک خلاء و ضرورتی دیگر اشاره دارد: گفت‌وگو؛ و چه بجا به سقراط تقدیم شده؛ مردی که گفت‌وگو را به مثابه روش کشف حقیقت، به ما آموخت.

این پژوهش بر چه اساسی است؟

روش این پژوهش، کیفی و مبتنی بر بحث گروهی متمرکز است و در بخش‌هایی که به اشباع نظری نرسیده از مصاحبه عمیق نیز بهره گرفته است. نویسندگان به فراخور هر فصل، با دعوت از دانش‌آموزان، دانشجویان، روانشناسان و متخصصان حقوق، فلسفه، علوم تربیتی، عمدتاً به نمای اجتماعی مقوله حجاب و عفاف پرداخته‌اند و به یافته‌هایی رسیده‌اند که با قرائت حاکم نمی‌خواند. سیاست‌ها را آسیب‌شناسی کرده‌اند و دلسوزانه، راه حل داده‌اند.

مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مد و لباس و الزام چادر از فصل‌های این کتاب است. نویسندگان این کتاب برای تقویت اندیشه‌ای مباحث، از آرای استاد مطهری بهره گرفته‌اند اما دو ابتکار آنان جالب است: اولاً، آرای آن استاد را در لابلای دیدگاه‌های اعضای نشست‌ها و بدون القاب متعارف آورده‌اند؛ گویی او همان‌گونه که خود می‌پسندید در میانه آنان، نشسته است و نگاه بالا به پایین ندارد.

ثانیاً، بعضی دیدگاه‌های آن استاد را با حریت و البته با ادب پژوهشی مورد خدشه قرار داده‌اند. این آزادگی از آن رو که یکی از نویسندگان، نوه شهید مطهری است، ارزشی مضاعف دارد. مطمئناً اگر آن استاد بی‌همتا امروز در جمع ما بود، اولاً بسیاری از کج‌فهمی‌های رایج از دین و انقلاب رخ نمی‌داد و ثانیاً از این تعاطی اندیه و رهایی از جمودورزی استقبال می‌کرد.

اگرچه بعضی حرف‌های شرکت‌کنندگان در نشست‌ها تازگی ندارد و شاید به کرات شنیده باشیم اما دسته‌بندی و جمع‌بندی و توجه به روش تحقیق، کاری بدیع را پیش روی مخاطب می‌گذارد. همزمان انتشار این کتاب با بحث‌های روز را می‌توان به فال نیک گرفت و امید که سیاست‌گذاران اعتنا کنند.»